

تعاملات حقوق بین الملل تجارت و حقوق بین الملل محیط زیست

سحر اعوانی^۱، میترا ضرابی^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، تهران، ایران

۲. استاد راهنما، دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، تهران، ایران

چکیده

امروزه گسترش و توسعه تجارت به ویژه به شکل نو و امروزی آن طرفداران محیط زیست را با نگرانی روبرو ساخته طوری که تجارت آزاد را تهدیدی بالقوه برای محیط زیست میدانند که با بهره برداری های کورکورانه و بدون رعایت موازین و قواعد زیست محیطی در صدد نابودی منابع کره زمین برآمدند لذا با توجه به اینکه عناصر تشکیل دهنده کره زمین حد و مرز فیزیکی ندارند و عواملی مثل انتقال مواد شیمیایی سمی و خطرناک و هم چنین آلودگی ها به سرعت در تمامی جهان پخش میشود و دود آن به چشم محیط زیست تمامی جوامع بشری می رود موجب شده، قواعد و مقررات زیست محیطی که امروزه در قالب کنوانسیون ها و موافقت نامه های چندجانبه در جهان مورد مقبولیت قرار گرفته از توجه بیشتری برخوردار گردد و اکثریت کشورها از این قواعد زیست محیطی حمایت نمایند هدف در این مقاله بیان استدلال ها و نظرات طرفداران محیط زیست و حامیان تجارت آزاد است تا با بیان این نظرات به راه حلی در جهت هم سو کردن این دو در سطح بین المللی برسیم و کاری کنیم که این دو حوزه از حقوق با هم در یک قدم گام برداشته نه اینکه با هم در تعارض باشند، از این سو ما از بین نظرات طرفداران هر دو حوزه تعاملاتی را که این دو با هم دارند را از دو منظر حمایت از یکدیگر و موانعی که برای هم ایجاد میکنند بیان کردیم.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، تجارت بین الملل، تجارت آزاد، موافقت نامه های زیست محیطی،

سازمان تجارت جهانی

مقدمه

کشورهای در حال توسعه با شعار افزایش رشد اقتصادی اقدام به آزادسازی تجاری می کنند و در این میان کیفیت محیط زیست را نادیده می گیرند که آثار زیان بار شدیدی را به همراه می آورند، از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان طرفدار گسترش تجارت خارجی آزادسازی تجاری به عنوان عامل مؤثر بر رشد اقتصادی جوامع تلقی می شود اما در چند دهه اخیر مشاهده شده است که تجارت رو به گسترش بدون در نظر گرفتن استانداردهای زیست محیطی و صرفاً به منظور دسترسی به بازار محصولات سایر کشورها به استفاده بی رویه و ناصحیح از منابع و انرژی منجر شده و آلودگی های فراوانی را در جهان در جهت انتشار گازهای گلخانه ای نظیر گاز دی اکسید کربن در پی داشته اند لذا اصلاح قوانین زیست محیطی باتوجه به توسعه پایدار و استفاده از موانع سختگیرانه برای جلوگیری از حرکات صنایع آلوده کننده به کشورهای در حال توسعه اقدامی ضروری میباشد، ابتدا لازم است یک تعریفی از هر دو حقوق بیان نمایم حقوق بین الملل تجارت عبارت است از مجموعه فعالیتهای تجاری که در سطح بین المللی صورت می پذیرد از سوی دیگر حقوق بین الملل محیط زیست مجموعه قواعد و مقرراتی است که در محیط زیست در سطح بین الملل توسط دولتها تدوین تصویب و لازم الاجرا است.

پیشینه تحقیق

اگر چه از زمانهای بسیار است که بشر متوجه اهمیت محیط زیست در زندگی خود شده اما دهه های آخر قرن بیستم را می بایست زمان اوج طرح مسائل زیست محیطی دانست. امروزه خطر بزرگی که بشر از ناحیه تخریبهای زیست محیطی احساس میکند نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را بر هم زده است بلکه موجودیت او را هم در معرض تهدید قرار داده است، رشد تجارت بین المللی و سرمایه گذاری و اثراتی که بر روی محیط زیست داشته باعث شده تا توجه جهانی را معطوف به خود سازد، نگرانی جهانی ناشی از کاهش کیفیت و منابع محیط زیست جامعه بین الملل را بر آن داشته تا برای بهبود استاندارد زندگی و حفاظت از محیط زیست اقدام بایسته به عمل آورند لذا سرمایه گذاری اصولاً فرایندی می باشد که همراه با تأثیرات مثبت یا منفی بر محل سرمایه گذاری می باشد (پورنوری، منصور؛ مخترع، آیدا؛ ۱۳۹۱؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۵، شماره ۱۷). در سال های اخیر با توجه به اولویت دادن کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه به رشد و پیشرفت اقتصادی، این کشورها اقدام به اعمال سیاست های حمایتی شدید برای ورود سرمایه گذار به کشورهای خود و افزایش میزان سرمایه گذاری خارجی در کشورهای خود نموده و از این رو سعی در تعدیل بسیاری از قوانین داخلی خود از جمله قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست نمودند؛ تا از این طریق سرمایه گذاران خارجی و داخلی را تشویق به سرمایه گذاری نمایند. با وقوع مخاطرات زیست محیطی مانند: حوادث بویال هند و انفجار نیروگاه هسته ای چرنوبیل و نیز مسایلی از قبیل گرم شدن کره زمین، افزایش گازهای گل خانه ای، سوراخ شدن لایه ازن و شیوع انواع سرطان ها و

امراض پوستی توجه جهانیان بیش از پیش به اهمیت محیط زیست جلب شد. این افزایش توجه و حساسیت‌ها باعث آشکار شدن تعارضات موجود بین تعهدات زیست محیطی و تعهدات ناشی از معاهدات و موافقت نامه های سرمایه گذاری شد. این تعارضات به طور کلی بر دو نوع تعارضات اصولی (هنجاری) و تعارضات مشروع (قانونی) می‌باشد.

اصل مقاله

در اینجا با بیان اهداف هر دو حوزه حقوق وارد اصل مطلب می‌شویم لذا هدف حقوق بین الملل محیط زیست حفاظت از محیط زیست در سطح بین الملل است البته قواعدی که در این خصوص وضع و تدوین شده امروزه بیشتر در قالب عهدنامه های چند جانبه می‌باشد که این قواعد به سرعت مقبولیت جهانی پیدا کرده و اکثر کشورهای جهان در بسیاری از موارد به آن ملحق شده اند، با توجه به این واقعیت که اجزاء تشکیل دهنده محیط زیست هم چون اقیانوس ها و جوّ حد و مرز فیزیکی ندارند و آثار تخریب و آلودگی به سرعت در تمامی نقاط جهان ظاهر میگردد و محدود به یه نقطه جغرافیایی خاص نمی باشد می توان گفت هدف اصلی حقوق بین الملل محیط زیست حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسلهای آینده است اما این تعریف مبتنی بر مرکزیت انسان بوده و برای خود محیط زیست ارزش ذاتی قائل نیست اما نقطه عزیمتی شده برای کنوانسیون برن ۱۹۷۹ درباره حفاظت از حیات وحش و زیستگاه های طبیعی اروپایی که در آن گیاهان و حیوانات را به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته که جدای از استفاده ای که انسانها از آنها می کنند ارزش ذاتی خود را نیز دارا می باشند.

اما بدیهی است رسالت سازمانهای جهانی تجاری بین الملل یک رسالت زیست محیطی نیست بلکه اینها اعتقاد دارند که ما باید کمک کنیم تا از طریق تجارت جهان ثروتمند تر شود و کاری به این ندارند که این افزایش تجارت و تولید کالا به محیط زیست ضربه می زند یا خیر، یا اینکه آیا تجارت باعث ایجاد شکاف بین فقیر و غنی می شود یا خیر، تنها هدفی که دارند که در سازمان جهانی تجارت نیز متبلور است این هست تمامی موانعی که بر سر راه تجارت آزاد وجود دارند را حذف کنند، به لحاظ تعدد این موانع، در این مقاله فقط ابزارهایی را که کشورها برای حفاظت از محیط زیست مورد استفاده قرار می دهند بررسی و بررسی خواهیم کرد، چند نوع اقدام تجاری زیست محیطی وجود دارد که مورد استفاده دولتها قرار می گیرد: مالیات و عوارض گمرکی، اعمال معیارهای مربوط به کالا و فرآیند تولید، سوبسید، تحریم، و محدودیتهای واردات و صادرات هر کدام از این تدابیر به چند منظور به کار می روند. برای نمونه، با استفاده از محدودیتهای واردات و صادرات، یک کشور از منابع داخلی و همچنین محیط زیست خود، محافظت می نماید. بهداشت و امنیت عمومی نیز موضوعاتی هستند که از طریق اعمال این اقدامات مورد محافظت قرار می گیرند.

سؤال اساسی که اینجا پیش می‌آید این است که آیا محیط زیست و تجارت بین الملل دارند در یک قدم گام برمی دارند یا هر کدام در جهت مخالف هم در حال حرکت هستند یعنی هرچقدر حقوق بین الملل تجارت پیشرفت می‌کند از آن طرف حقوق بین الملل محیط زیست تضعیف میشود یا برعکس هرچقدر حقوق بین الملل محیط زیست پیشرفت و توسعه پیدا می‌کند و جنبه نظارتی و اجرایی بیشتری دارد به تجارت لطمه می‌زند و تجارت را ضعیف می‌کند.

سرمایه گذاران به دنبال منافع مالی خود هستند اما حامیان محیط زیست به دنبال منافع مشترک بشریت و به دنبال منافع زیستی جهانیان هستند اما صرف نظر از اهمیت و ترجیح هر یک از این دو هدف بر یک دیگر آنچه کاملاً مشهود است در تعامل میان حقوق بین الملل سرمایه گذاری و حقوق بین الملل محیط زیست، این حقوق محیط زیست است که مظلوم واقع گردیده و حمایت به اندازه تجارت کسب نکرده که این امر در سایه افزایش جمعیت و فشار بر محیط زیست نیز بیش از پیش نمایان گشته است.

در اینجا بهتر است به نظرات حامیان تجارت آزاد و طرفداران محیط زیست اشاره ای نماییم، طرفداران تجارت آزاد می‌گویند که این توجه بیش از حد به محیط زیست می‌تواند تأثیری منفی بر روی تجارت آزاد بگذارد و دست و پای تجارت آزاد را ببندد آنها می‌گویند همان طور که باید به آلودگی ناشی از تولید و مصرف توجه کرد باید به رفاه حاصل از تولید همان کالا نیز توجه نمود از نظر آنها سیاست آرمانی سیاستی است که منابع را حفظ کند، آلودگی را کاهش دهد نه اینکه تجارت را حذف کند تا تولید و مصرف کاهش یابد چرا که آلودگی بهای اجتناب ناپذیر فعالیتهایی است که شاید مطلوب جامعه هم باشند. نظر دیگری که طرفداران تجارت آزاد دارند این است که می‌گویند تجارت آزاد نه تنها تأثیر منفی بر روی محیط زیست نمی‌گذارد بلکه دارای تأثیر مثبت هم می‌تواند باشد چنانچه که با افزایش تجارت منابع مالی نیز افزایش پیدا میکند و همین امر موجب میشود تا دولتها قدرت پرداخت هزینه هایی برای بهبود محیط زیست را داشته باشند چرا که از نظر آنها دولتهایی که فقیر محسوب می‌شوند و دارای سطح درآمدی پایینی هستند به دلیل کاهش منابع مالی بهبود مسائل زیست محیطی آنها از دشواری بیشتری برخوردار است آنها عقیده دارند که تجارت باعث افزایش ثروت میشود و این ثروت را میشود برای بهبود محیط زیست هزینه کرد.

این نظرات و استدلال های طرفداران تجارت آزاد بود حالا نظرات طرفداران محیط زیست را بیان می‌کنیم: طرفداران محیط زیست رشد افسار گسیخته و بدون رعایت موازین حقوق بین الملل محیط زیست را به ویژه در کشورهای در حال توسعه عامل مهم نابودی منابع کره زمین می‌دانند از نظر آنها کشورهایی که دارای معیارهای زیست محیطی ضعیفی هستند آلودگی ناشی از تولید و مصرف بیشتر می‌باشد و چون هدف هم رقابت برای کسب درآمد بیشتر است این معیارهای زیست محیطی همین طور ضعیف تر هم میشود. نظر دیگری که طرفداران محیط زیست دارند این است که می‌گویند با توجه به متفاوت بودن معیارهای زیست محیطی در تجارت آزاد این امر باعث می‌شود که بعضی دولتهایی که به محیط زیست

خود کمتر توجه و هزینه میکنند مزیتی غیر عادلانه برای خود به وجود می آورند و این خود نیز با یکی از پیش نیازهای تجارت آزاد هم خوانی ندارد. استدلال دیگری که طرفداران محیط زیست دارند این است که همین استفاده بی رویه و افزایش آلودگی ناشی از آن باعث می شود که دولتهای دیگر در آینده از استفاده این منابع داخلی محروم شوند و این باعث نابودی محیط زیست تمامی کشورها میشود و محدود به یک نقطه جغرافیایی خاص نیست. در آخر نیز یک نگرانی که حامیان محیط زیست دارند این است که می ترسند صنایع آلوده کننده به کشورهایی که دارای مقررات زیست محیطی آسانتری هستند وارد شود همانطور که بیشتر شرکت های فرامرزی هم بیشتر تمایل دارند که وارد همین کشورها شوند به دلیل اینکه مقررات زیست محیطی سهل تری دارند و در نتیجه کمتر هزینه می برند.

در نتیجه طرفداران محیط زیست، تجارت آزاد را متهم به بهره برداری کورکورانه از محیط زیست می دانند به هر تقدیر استدلالهایی در این خصوص وجود دارد که اولاً تجارت باعث افزایش ثروت می شود دوماً استفاده از منابع با توسعه صنعتی رابطه مستقیم دارد پس این به نفع تمام کشورها به ویژه مروجان تجارت آزاد است که بیایند همگی به تدابیر و منافع مشترکی در زمینه محیط زیست برسند، دولتها بیایند با هم همکاری کنند و هزینه های ناشی از تدوین عهدنامه های چندجانبه را با هم دسته جمعی تقبل نمایند و از این عهدنامه ها نیز پشتیبانی نمایند.

یکی از مهم ترین ابزارهایی که به منظور حفاظت از محیط زیست مورد استفاده قرار گرفته معاهدات چندجانبه بین المللی هستند، از سال ۱۹۷۲ یعنی پس از کنفرانس استکهلم تا کنون جامعه جهانی بر این معاهدات تأکید فراوان نموده است و در حال حاضر موافقت نامه زیست محیطی بسیاری در سطح بین المللی وجود دارد، بطور کلی این قبیل معاهدات را به سه دسته می شود تقسیم کرد: دسته اول عهدنامه های حمایت از حیات وحش است که عهدنامه سایتس (کنوانسیون سایتس (CITES) کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی (واشنگتن - ۱۹۷۳)) نمونه بارز آن است و صادرات و واردات گونه های گیاهی و حیوانی را تنظیم می کند. به موجب این عهدنامه اعضا می توانند در صورت نقض کنوانسیون از سوی کشورهای متعاقد، مجازاتهایی از قبیل ممنوعیت کامل تجارت را به اجرا گذارند. کمیته ثابت کنوانسیون سایتس در مواردی به اعضا توصیه کرده است که اینگونه اقدامات را بطور جمعی و البته برای مدت محدود، به عمل آورند. برای نمونه، می توان به ممنوعیت تجاری اعمال شده علیه امارات متحده عربی در سال ۱۹۸۷ اشاره کرد که در سال ۱۹۹۰ برطرف گردید. تحریم های مقرر شده در سایتس بطور یکجانبه نیز اعمال شده است از جمله توسط ایالات متحده آمریکا بر ضد تایوان از اواخر سال ۱۹۹۲ که در سال ۱۹۹۵ برچیده شد. عهدنامه سایتس یکی از کنوانسیونهایی است که نه تنها در جلوگیری از کاهش و نابودی بسیاری گونه های گیاهی و حیوانی توفیق داشته بلکه در جلب عضویت تعداد بیشماری از کشورها نیز موفق بوده است.

دسته دوم شامل عهدنامه‌های حمایت از محیط زیست کشور وارد کننده در مقابل تولیدات و کالاهای مضر می‌باشد. کنوانسیون بازل (کنوانسیون بازل درباره کنترل برون مرزی مواد زائد زیان بخش و دفع آنها (بازل - ۱۹۸۹)) درباره حرکت فرامرزی ضایعات خطرناک و تخلیه آنها، نمونه‌ای از این عهدنامه‌هاست که هدف آن کنترل حرکت ضایعات خطرناک است. به موجب این کنوانسیون، صادرات و واردات ضایعات خطرناک از قبیل ضایعات اتمی و شیمیایی توسط اعضا به یکدیگر و به کشورهای غیر عضو، ممنوع است. و انگهی دولتها باید تعهد نمایند ضایعات سمی را بنحوی منطبق با معیارهای زیست محیطی کنترل و اداره می‌کنند. دسته سوم موافقتنامه‌های زیست محیطی محدودکننده تجارت آزاد، عهدنامه‌های حمایت از مشترکات عمومی است. پروتکل مونترال (پروتکل مونترال در مورد مواد کاهنده لایه ازن (مونترال - ۱۹۸۷)) نمونه‌ای از این معاهدات است که محدودیتهای تجاری برای کشورهای غیر عضو در نظر می‌گیرد.

به هر تقدیر تعارض موجودی که بین این دو حوزه از حقوق محیط زیست و حقوق تجارت است موجب شد تا توجه کارشناسان را به خود جلب نماید و برای این موضوع مهم در سطح جهانی چاره‌ای بیندیشند و آن چاره که نقطه تلاقی این دو نگرش است مفهوم توسعه پایدار است در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار را بدین شکل تعریف کرد: «توسعه‌ای که پاسخگوی نیازهای امروز است بدون این که قابلیت نسلهای آینده برای برآوردن نیازهای خود را مخدوش سازد». برنامه محیط زیست سازمان ملل (United Nations Environment Programme (UNEP)) نیز اضافه نموده است که «حفظ، استفاده عقلایی و افزایش منابع طبیعی که زیربنای ماندگاری اکولوژیک و رشد اقتصادی است، الزامی می‌باشد». توسعه پایدار مفهومی است به ظاهر بسیار ساده که برای بقای بشر از اهمیتی اساسی برخوردار است و با این که هنوز نمیتوان آن را یک قاعده حقوق بین‌الملل نامید، پرفسور هندل می‌گوید: «توسعه پایدار مفهومی است که توقعات حقوقی مهمی درباره رفتار زیست محیطی، پیرامون آن شکل گرفته است». وی معتقد است با گذشت زمان این مفهوم میتواند یک قاعده آمره بین‌المللی گردد اما مسائل مربوط به محتوای آن به هر حال باقی است.

در سال ۱۹۹۲ به منظور بررسی مجدد مسائل زیست محیطی که در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم مطرح شده بود کنفرانسی در ریوداژائرو تشکیل گردید، این کنفرانس موسوم به کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، بزرگترین کنفرانس سازمان ملل بود و بیش از سی هزار نفر در آن شرکت داشتند. با توجه به این که یکی از اهداف کنفرانس ریو طرح پیوندی نزدیکتر بین مسائل محیط زیست و توسعه اقتصادی بود، به نظر می‌رسد تا حدودی با موفقیت همراه بوده است چرا که به نحوی برگشت‌ناپذیر، میان حفاظت از محیط زیست و رشد اقتصادی ارتباط برقرار کرد. در خصوص تجارت بین‌المللی، این کنفرانس سند مهمی تحت عنوان برنامه ۲۱ تصویب نمود که هدف آن حمایت متقابل تجارت و محیط زیست از یکدیگر است. به موجب این برنامه: «یک نظام تجاری باز و چندجانبه، تخصیص و استفاده کارآمدتر از منابع را

میسر می‌سازد و از این طریق به افزایش تولید و درآمد، و بار کمتر بر محیط زیست کمک می‌نماید. چنین نظامی منابع اضافی مورد نیاز رشد و توسعه اقتصادی و بهبود حفاظت از محیط زیست را تأمین می‌نماید. از سوی دیگر یک محیط زیست سالم، منابع مورد نیاز برای رشد مداوم و توسعه مستمر تجارت را تضمین می‌نماید. بنابراین یک نظام تجاری باز و چندجانبه، به همراه سیاست‌گذاریهای صحیح زیست محیطی، تأثیری مثبت بر محیط زیست دارد و به توسعه پایدار یاری می‌رساند.»

برنامه ۲۱ سپس توضیح می‌دهد با این که برای نیل به اهداف زیست محیطی از موانع تجاری استفاده می‌شود اما محدودیتهای تجاری باید با دقت اعمال شود و «علل ریشه‌ای مسائل زیست محیطی را هدف قرار دهد و محدودیت غیر قابل توجیه برای تجارت ایجاد نکند.» بنابراین مسئله اصلی حصول اطمینان از این است که تجارت آزاد و سیاستهای زیست محیطی مکمل یکدیگر باشند تا بتوانند به توسعه پایدار منجر شوند.

برنامه همچنین از دولتها می‌خواهد نهادهای اقتصادی بین‌المللی مانند گات را پیش برند و اصول و پیشنهادهایی که حفاظت از محیط زیست را با تجارت آزاد پیوند می‌دهند، بررسی نمایند. از جمله، توصیه‌هایی مبنی بر دقیق‌تر و روشن‌تر کردن رابطه مواد گات با برخی اقدامات چندجانبه در زمینه محیط زیست به تصویب رسیده است.

بنابراین با توجه به اینکه هدف سرمایه‌گذاری بین‌المللی افزایش توسعه، رفاه و رشد اقتصادی جوامع می‌باشد و با توجه به اینکه داشتن یک محیط زیست لازم شرط لازم برای دست‌یابی به این اهداف می‌باشد بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی باید به گونه‌ای رشد و توسعه پیدا کند که تأثیر منفی بر روی محیط زیست و از بین بردن منابع طبیعی را به حداقل ممکن برساند و هم‌زمان با تلاشهایی که برای رشد سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌شود اصول و قواعد در رابطه با حفاظت از محیط زیست نیز رعایت گردد و بین این دو حوزه مستقل از حقوق هماهنگی و هم‌سویی لازم برقرار گردد و هر دو در جهت رفاه بشر گام بردارند نه در جهت تخریب هم و به خطر انداختن منافع نسل حاضر و آینده و بر روی هم تأثیر منفی بگذارند.

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله با دو موضوع کاملاً مستقل از هم با اهداف متفاوت روبرو بودیم که رسالت هر کدام با یکدیگر متفاوت است اما هر کدام میتوانند بر یکدیگر تأثیر جدی بگذارند از صحبت‌هایی که گفته شد درمی‌یابیم که اهداف تجارت آزاد و محیط زیست در ظاهر درست است متفاوت می‌باشد اما باید بدانیم که در تضاد هم نیستند بلکه هدف هر دو سعادت و رفاه بشر است منتهی هدف یکی منفعت اقتصادی و هدف دیگری منافع بشری می‌باشد در صورتیکه قلمروی اجرای هر دوی آنها مربوط به یک محیط است و چنانچه گفته شد این دو با هم تعاملاتی دارند که از نظر برخی‌ها این تعاملات حتی تأثیر مثبت بر روی محیط زیست می‌گذارد و از نظر برخی دیگر تهدید جدی برای محیط زیست به حساب می‌آید، تنها

مشکل در نحوه نگرش ما به مسأله و عدم تناسب و انطباق مقررات و قواعد مربوط به هریک است، لذا باید در این راستا کارشناسان تصمیم گیرنده در سطح بین المللی را در زمینه مسائل مربوط به قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست آموزش داد و راهکارهایی سازگار با سیاست سازمان تجارت جهانی در جهت حفظ محیط زیست تدوین کرد، در نتیجه سخن گفتن درباره جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی امری آسان نبوده و دارای ابعاد گسترده ای میباشد اما از جایگاهی هم که تاکنون در سازمان تجارت جهانی پیدا کرده و همین طور کنوانسیون ها و عهدنامه های چندجانبه ای که در جهت حفظ محیط زیست وضع و تدوین شده هم نباید چشم پوشی کنیم.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- ثابتی، عباس، (۱۳۸۸)، سازمان تجارت جهانی، تهران، چاپ و نشر بازرگانی
- زاهد طلبان، علی، (۱۳۸۵)، سازمان تجارت جهانی، ساختار قواعد و موافقت نامه‌ها، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی
- کمالی اردکانی، مسعود- نصیری، میترا، (۱۳۸۳)، تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت، تهران، مرکز تجارت بین الملل آنکتاد چاپ و نشر بازرگانی.
- آندرسون و دیگران، (۱۳۸۴)، جهانی شدن: فرصت‌ها و چالش‌ها، ترجمه وحید بزرگ و علی صباغیان، تهران، چاپ و نشر بازرگانی
- فراهادی، سعید - رزمی، مریم، (۱۳۹۶)، کنوانسیون های بین المللی محیط زیست، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری دیباگران تهران.
- اخوی، احمد، (۱۳۸۴)، مسائل و تحولات تجارت بین المللی از گات تا سازمان تجارت جهانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ایروانی، محمد جواد، (۱۳۸۳)، سازمان تجارت جهانی، شناخت سازمان تجارت جهانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

مقالات

- نوی، محمد علی - نخجویانی، رضا، (۱۳۸۲)، حقوق تجارت، کتابخانه گنج دانش.
- آلن گاتن، ترجمه رمضانی، مصیب، (۱۳۸۳)، تجارت و محیط زیست، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، چاپ ال .
- پورنوری، منصور؛ مخترع، آیدا؛ (۱۳۹۱)، دعاوی و تعارضات موجود بین تعهدات زیست محیطی و تعهدات ناشی از حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری و چگونگی حل و فصل آن‌ها؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۵، شماره ۱۷

منابع انگلیسی

- World Trade Organization (WTO), "Regionalism and the world trading system", World Trade Organization, Genova, (1995) .
- World Trade Organization (WTO), "Regionalism in the WTO", Genova, (2000) .
- Benefits of the WTO trading System", WTO,(2007)
- Common misunderstandings about the WTO", WTO,(2007)

